به بهانه تجمع بیماران SMA مقابل وزارت بهداشت؛

صداها به جایی نمی‌رسد

ریحانه جولایی

تحریم‌ها و بالا رفتن قیمت دلار مشکلات بسیاری را گریبانگیر مردم کرد. بیماران اما در این میان بیش از سایرین صدمه دیده‌اند. از نبود قرص‌ها تا افزایش نجومی قیمت دستگاه‌هایی که زندگی‌شان به آن وابسته است. خانواده‌های بیماران هم در این روزهای سخت به هر دری می‌زنند تا شاید بتوانند کاری کنند اما انگار تمام درها بسته است.

حال بیماران SMA خوب نیست و طاقت خانواده‌هایشان طاق شده است تا جایی که سکوت را شکستند و روز شنبه در اعتراض به وضعیت نامناسب درمان و تأمین داروهای کودکان خود مقابل وزارت بهداشت اعتراض و تجمع کردند؛ اما بهتر است با این بیماری کمتر شناخته‌شده و مشکلات بیمارانش آشنا شویم تا درک درستی از دلیل تجمع آن‌ها داشته باشیم.

بیماری SMA یا فلج عضلانی-نخاعی، نوعی بیماری ژنتیکی است که به‌مرورزمان به تحلیل کامل عضلات و فلج بیمار منجر می‌شود. این بیماری که آن را با نام بیماری آتروفی عضلانی-نخاعی نیز می‌شناسند یک بیماری ژنتیکی است که با گذشت زمان شدت آن افزایش می‌یابد و احتمال بروز این بیماری در دختران و پسران یکسان است. برای جلوگیری از شدت تسریع بیماری، حتماً باید بیمار تحت‌نظر بوده و از خدمات کاردرمانی و فعالیت‌هایی که باعث می‌شود شدت بیماری کاهش یابد استفاده کند.

این بیماری به چهار تیپ مختلف تقسیم می‌شود؛ تیپ یک شدیدترین آن بوده و در فاصله زمانی کمتری قدرت عضلانی بیمار از بین می‌رود، این امر به‌مرور عضلات تنفسی بیمار را درگیر کرده و بیمار تنها تا دو سالگی عمر می‌کند. در تیپ ۲ بیمار تا ۸ یا ۹ سالگی عمر کرده و در تیپ ۳ می‌تواند تا ۳۰ یا ۴۰ سالگی هم زندگی کرده و شانس ادامه حیات بیمار بیشتر است. در تیپ ۴ فرد تنها در راه رفتن دچار مشکل می‌شوند.

سرنوشت تلخ بیماران SMA در ایران

برای ادامه حیات و پیشگیری از مرگ زودرس این بیماران، باید تجهیزات گران‌قیمت موردنیاز آن‌ها تأمین شود؛ این در حالی است که سرنوشت بیماران SMA در کشور ما به گونه دیگری رقم می‌خورد.

کودکان مبتلا به این بیماری در کشور ما برای تأمین دستگاه‌های موردنیازشان مانند دستگاه‌های تنفسی با مشکلات بسیاری مواجه شده‌اند. داروی اسپینرازا که تأییدیه FDA (سازمان غذا و داروی آمریکا) را دارد و در بیش از ۴۰ کشور نیز مورد بهره‌برداری قرار گرفته در کشور ما در فهرست دارونامه رسمی قرار ندارد.

هزینه یک سال استفاده از داروی اسپینرازا برای هر بیمار چیزی حدود ۱۰ میلیارد تومان است. اهمیت این دارو در بهبود حال بیماران SMA و عدم توجه وزارت بهداشت به این امر باعث شد که سال گذشته خانواده بیماران SMA در مقابل این وزارتخانه تجمع کرده و با در دست داشتن پلاکاردهایی نسبت به نبود داروی این بیماری در کشور و نداشتن پوشش حمایتی اعتراض کنند. سازمان غذا و دارو در آن زمان اعلام کرد که با توجه به اینکه اسپینرازا در دارونامه رسمی کشور نیست، مطابق قانون برنامه ششم توسعه، تجویز هر نوع دارو، خارج از فهرست دارویی کشور به‌نوعی تخلف قلمداد می‌شود و اگر کسی داوطلب مصرف چنین دارویی باشد باید به کشورهایی که این دارو در آن‌ها مجوز مصرف دارند مراجعه کنند.

با این‌وجود تعداد افراد مبتلا به این بیماری کم نیست. گفته می‌شود از هر ۶ هزار نفر معمولاً یک نفر به این بیماری مبتلا می‌شود و بر اساس تخمین‌ها گمان می‌رود در ایران حدود ۵ هزار نفر به این بیماری مبتلا باشند، اما از آنجایی که مبتلایان به نوع یک این بیماری بسیار زود و پیش از ثبت در لیست مبتلایان به بیماری از بین می‌روند، آمار دقیقی از تعداد آن‌ها در دست نیست.

در حالی که این بیماری در لیست بیماری‌های خاص قرار گرفته اما کمک چندانی به آن‌ها نمی‌شود. تنها کمکی که به این بیماران می‌شود مربوط به بودجه‌ای است که وزارت بهداشت به‌عنوان بودجه درمانی بیماران مبتلا به SMA در نظر گرفته است. اما درواقع هیچ‌یک از نیازهای درمانی این بیماران را پوشش نمی‌دهد و تنها شامل بستری شدن آن‌ها در بیمارستان است. به این معنا که قبلاً وقتی این بیماران در ICU بستری می‌شدند درصدی از هزینه را از خانواده بیمار می‌گرفتند، اما با در نظر گرفتن این بودجه درصد مزبور از بیماران دریافت نمی‌شود. از سوی دیگر بودجه دولت حتی آزمایش‌های ژنتیک، کاردرمانی و توان‌بخشی این بیماران را هم تحت پوشش قرار نمی‌دهد.

هزینه بالا برای خرید دستگاه حیات‌بخش

در کنار شرایط سخت نبود دارو یکی دیگر از مشکلات بیماران و خانواده‌های آن‌ها سختی‌های زیاد برای داشتن دستگاه‌های حیات‌بخش است. این بیماران در مراحل پیشرفته‌تر بیماری به دستگاه‌های تنفسی گران‌قیمتی نیاز دارند که با بالا رفتن نرخ ارز قیمت آن‌ها نیز افزایش یافته است.

اگرچه این دستگاه‌های تنفسی برای همه بیماران تنفسی کاربری دارد، اما فرق بیمار SMA با سایر بیماران تنفسی در آن است که سایر بیماران تنفسی در سنین بالاتر دچار بیماری می‌شوند، اما بیمار SMA چند ماه بعد از تشخیص بیماری یعنی در چندماهگی به دستگاه تنفسی نیاز پیدا می‌کنند یعنی تا والدین بخواهند از نظر روحی بپذیرند که فرزندشان بیمار است بچه دچار مشکلات تنفسی شده و باید از دستگاه تنفسی استفاده کنند. این در حالی است که خانواده‌ها اصلاً نمی‌توانند از عهده هزینه خرید این دستگاه‌ها بربیایند. دستگاه تنفسی ونتیلاتور ۱۰۰ میلیون تومان و دستگاه تنفسی با پیپ حدود ۲۰ میلیون تومان قیمت دارند. به‌علاوه این بیماران به دستگاه‌هایی دیگر نظیر اکسیژن‌ساز باقیمت ۷ میلیون تومان، ساکشن و دستگاه کمک سرفه نیاز دارند که قیمت این دستگاه هم ۱۰۰ میلیون تومان است. به‌بیان دیگر وقتی مشکل تنفسی این کودکان شروع می‌شود مخارج دستگاه‌های تنفسی آن‌ها به‌تنهایی ۲۰۰ میلیون تومان است که هیچ‌یک هم نه با ارز دولتی بلکه به‌صورت آزاد در بازار ارائه می‌شود و دولت هم هیچ حمایتی از آن‌ها نمی‌کند.

چند کودک بعد از مهاجرت زنده‌ماندند

در این رابطه رامک حیدری، مدیرعامل انجمن دیستروفی ایران گفته بود: از سال ۹۷ تاکنون ۱۵ نفر از اعضای ما که همگی از ۶ ماه تا ۳ سال عمر داشتند فوت کرده‌اند، اگرچه این بیماران از مبتلا به تیپ یک این بیماری بودند اما اگر داروی اسپینرازا به آن‌ها می‌رسید زنده می‌ماندند.

او با اشاره به مهاجرت ۳ تن از این بیماران برای ادامه درمان با اسپینرازا به خارج از کشور، عنوان کرد: خانواده این کودکان مخارج درمان خود را از طریق کمک‌های مردمی جمع‌آوری کرده و ناچار به مهاجرت شدند. ۲ نفر از گوش به زنگ‌ها گذشته به ترکیه و یک نفر نیز سال ۹۶ به بلژیک مهاجرت کردند تا بتوانند به درمان خود با استفاده از داروی اسپینرازا ادامه بدهند. در حالیکه حاضر بودند همین هزینه را در ایران بدهند.

این فعال حوزه مبتلایان به دیستروفی خاطرنشان می‌کند: بچه‌هایی که مهاجرت کردند هر ۳ با استفاده از این دارو زنده مانده‌اند. اولی که به بلژیک رفت حالا ۳ سال دارد در حالیکه وقتی در ایران در مرکز طبی کودکان بستری بود می‌خواستند او را تراک کنند (گلو را شکافته و برای تنفس دستگاه بگذارند)، اما والدین او نگذاشتند. مشکلات تنفسی او در حال حاد شدن بود که مهاجرت کردند. مشکلات این کودک با تزریق اولین دز اسپینرازا از بین رفت. کودکانی هم که جان خود را از دست دادند با مشکلات تنفسی از دنیا رفتند اما اگر این دارو وجود داشت زنده می‌ماندند.

نگهداری از این بچه‌ها باید صحیح باشد تا بزرگ شوند. به گفت حیدری نوزاد ۶ ماهه‌ای بوده که به‌واسطه این بیماری در ایران فوت کرده است، اما در خارج از ایران بیماری با تیپ یک بوده و حالا ۱۶، ۱۷ ساله است که علت آن نیز نگهداری صحیح بوده.

دچار خود تحریمی شده‌ایم

حیدری با اشاره به اینکه میزان مصرف این دارو در سال اول ۶ دز و در سال‌های بعد ۳ دز است، می‌گوید: قیمت این دارو برای هر بیمار ۷۵۰ هزار دلار است. در حال حاضر داروی دیگری هم به بازار آمده که تأییدیه FDA (سازمان غذا و داروی آمریکا) را دارد. این دارو یک‌بار مصرف بوده و یک‌بار استفاده از آن برای تمام عمر بیمار کافی است. با اینکه هر دوی این داروها تأییدیه FDA را دارند اما وزارت بهداشت ایران آن را تائید نکرده و می‌گوید اثربخشی ندارد. ما دچار خود تحریمی شده‌ایم. تحریم‌های آمریکا را کنار بگذاریم. شرکت‌های داروسازی با ما کنار می‌آیند. حتی شرکت بایوژن که داروی اسپینرازا را دارد می‌خواهد که برای رساندن دارو به بیماران با ما وارد مذاکره شود و با قیمت پایین‌تر و ارائه تخفیف دارو را به ما بدهد. اما گویا دولت ما را تحریم می‌کند. اقدامات درمانی مانند کاردرمانی توان‌بخشی، آزمایش ژنتیک بچه‌ها، تأمین دستگاه‌های تنفسی موردنیاز آن‌ها و حتی بستری شدن‌شان همگی برای بیماران مشکل‌ساز بوده و به‌سختی انجام می‌گیرد و دولت نیز هیچ‌یک را تحت پوشش قرار نمی‌دهد.

داروی سوئیسی به‌نظر موفق می‌رسد

قیمت این دارو در همه دنیا بالا است اما یک شرکت داروسازی سوئیسی توانسته راهکاری برای بیماران ارائه دهد. این کمپانی سوئیسی می‌گوید این دارو یک کپی سالم را جایگزین ژن معیوب ناقل بیماری می‌کند و با تزریق یک واحد از آن، روند بیماری متوقف می‌شود. البته این دارو نمی‌تواند آسیب‌های موجود نزد فرد مبتلا را به نقطه صفر برساند. بر همین اساس تأکید شده که تشخیص فوری و به‌موقع SMA اهمیت حیاتی دارد. مقامات درمانی آمریکا ابتدا به خاطر قیمت گزاف این دارو از دادن مجوز به آن خودداری کرده بودند اما بنگاه داروسازی سوئیسی توانست آن‌ها را متقاعد کند که جان بیماران با این دارو نجات داده می‌شود و یک‌بار پرداخت، به‌صرفه‌تر از صدها هزار دلار هزینه پراکنده و فیزیوتراپی‌های طولانی است؛ هزینه‌ای که به‌مراتب برای بیمه‌ها سنگین‌تر است.

به گفته دانشمندان اولین سری کودکان تحت درمان، اینک به سن چهارسالگی و پنج‌سالگی رسیده‌اند و نشانه‌ای از عارضه ندارند اما نمی‌توان با قطعیت گفت که یک‌بار دارو برای همه عمر آن‌ها کفاف می‌دهد. با این حال مقامات ایران همچنان معتقدند دارو برای بهبود این بیماری هیچ تأثیری ندارد.

بالاخره خدمات رایگان است یا پولی؟

در آخر که با این بیماری و مصائبش آشنا شدیم نگاهی کنیم به ادعاهایی که مسئولان بعد از تجمع خانواده بیماران کرده‌اند. ادعاهایی که به نظر می‌رسد با صحبت‌های حامیان و خانواده‌های بیماران لااقل در ارائه خدمات تناقض دارد. به گزارش ایرنا، مدیرکل امور بیماران خاص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در پی تجمع خانواده بیماران SMA مقابل این وزارتخانه گفت: اثربخشی داروی جدید مورد درخواست این بیماران هنوز مورد تردید است. مهدی شادنوش همچنین اعلام کرده آمار دقیقی از تعداد بیماران SMA که یک بیماری عصبی ژنتیکی است در دست نیست، اما حدود ۳۰۰ نفر از این بیماران تاکنون شناسایی شده‌اند. وزارت بهداشت بسته خدماتی را شامل مشاوره، فیزیوتراپی، ویزیت، توان‌بخشی و گفتار درمانی برای این بیماران به‌صورت رایگان ارائه می‌کند و هیچ محدودیتی برای ارائه این خدمات به این بیماران وجود ندارد. با توجه به تمام موارد بالا اصلی‌ترین نیاز بیمار و خانواده آن‌ها بعد از تأمین دارو و ارائه خدمات احساس همدلی مسئولان و مقامات کشور است که در ایران این اصل فراموش شده است. تحریم‌ها دلیلی شده تا مقامات و دولت بیش از گذشته از مردم دور شوند. امید این می‌رود مقامات دولتی به‌ویژه وزارت بهداشت فکری به حال شرایط بیماران خاص کنند و لااقل اگر برایشان قدمی برنمی‌دارند سنگ جلو پایشان نیندازند.

رامک حیدری: شرکت بایوژن که داروی اسپینرازا را دارد می‌خواهد برای رساندن دارو به بیماران با ما وارد مذاکره شود و با قیمت پایین‌تر و ارائه تخفیف دارو را به ما بدهد؛ اما گویا دولت ما را تحریم می‌کند

مدیرعامل انجمن دیستروفی ایران: از سال ۹۷ تاکنون ۱۵ نفر از اعضای ما که همگی از ۶ ماه تا ۳ سال عمر داشتند فوت کرده‌اند، اگرچه این بیماران از مبتلا به تیپ یک این بیماری بودند اما اگر داروی اسپینرازا به آن‌ها می‌رسید زنده می‌مانند

از گوشه و کنار

تعرفه‌های پزشکی سال ۹۹ باید به اندازه تورم رشد کند

رئیس سازمان نظام پزشکی گفت: پیشنهاد رسمی نظام پزشکی این است که تعرفه خدمات پزشکی سال آینده (۱۳۹۹) حداقل به میزان تورم و افزایش حقوق و دستمزد افراد شاغل افزایش یابد و این پیشنهاد به وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام‌شده است. به گزارش ایرنا، محمدرضا ظفرقندی افزود: تورم در حوزه سلامت حداقل ۱.۵ برابر تورم اقتصاد کل جامعه است اما با توجه به اینکه ممکن است بیمه‌ها نتوانند این میزان رشد تعرفه‌های پزشکی را تقبل کنند و با ملاحظه وضعیت بیمه‌ها این پیشنهاد از طرف سازمان نظام پزشکی به وزارت بهداشت و شورای عالی بیمه ابلاغ شده است. او گفت: رقم مشخصی برای این رشد تعرفه‌های پزشکی اعلام نشده زیرا میزان تورم و مقدار افزایش رشد حقوق و دستمزد کارکنان و شاغلان را مراجع رسمی مورد تأیید دولت اعلام می‌کنند که همین میزان هم برای رشد تعرفه‌های پزشکی مورد قبول سازمان نظام پزشکی است. ظفرقندی در ادامه بیان کرد: مشخص نبودن فاصله تعرفه‌های واقعی پزشکی با هزینه‌هایی که اعمال می‌شود، در سال‌های اخیر موجب هجمه‌هایی علیه جامعه پزشکی شده و با تعیین قیمت واقعی این خدمات حداقل معلوم می‌شود که پزشکان برای سلامت مردم یارانه می‌پردازند. درست مثل قیمت بنزین که دولت اعلام می‌کند قیمت واقعی آن مثلاً پنج هزار تومان است والان هزار تومان از مردم گرفته می‌شود. لازم به ذکر است، تعرفه‌های خدمات تشخیصی و درمانی سال ۹۸، فروردین سال جاری با رشد متوسط حدود ۱۰ درصد برای بخش دولتی و رشد متوسط ۱۳ درصدی برای بخش خصوصی ابلاغ شد.

سهم ۱۰ درصدی زنان در پست‌های مدیریتی شهرداری تهران

عضو شورای شهر تهران با اشاره به ماده ۷۴ قانون برنامه سوم توسعه که سهم ۳۰ درصدی برای حضور زنان در پست‌های مدیریتی را در نظر گرفته است، نسبت به عدم اجرای آن به شهرداری تهران تذکر داد. به گزارش ایلنا، شهربانو امانی در تذکری درخصوص اجرای ماده ۷۴ برنامه سوم توسعه که به برنامه‌ریزی برای افزایش حضور زنان در مدیریت شهری اشاره دارد، گفت: اجرای ماده ۷۴ برنامه سوم توسعه بر زمین مانده است. براساس این ماده قانون شهرداری مکلف است نسبت به افزایش حضور زنان برنامه‌ریزی داشته باشد تا مدیریت زنان بیشتر شود. امانی افزود: باید ۳۰ درصد از پست‌های مدیریتی به زنان اختصاص پیدا کند در حالی که امروز ۵۴ پست به زنان اختصاص یافته است. امروز در شهرداری تهران ۵۸۱ پست مدیریتی وجود دارد که سهم زنان از آن در حدود ۱۰ درصد است. امانی ادامه داد: به شهرداری تهران تذکر می‌دهم که نسبت به اجرای این ماده قانونی عمل کند و شاهد دگرگونی انتصابات زنان باشیم چرا که شهرداری براساس قانونی می‌تواند برای اجرای این مصوبه قانونی تبعیض مثبت به کار ببرد.

شیب افزایشی خودکشی در کشور کنترل می‌شود

مدیرکل دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت گفت: با حضور دستگاه‌های مختلف شیب افزایش خودکشی در کشور کنترل خواهد شد. به گزارش فارس، احمد حاجبی مدیرکل دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت اظهار کرد: از نظر میزان خودکشی آمار بالایی نسبت به دیگر کشورهای جهان نداریم ولی باید این شیب افزایشی را کنترل کنیم. او یادآور شد: خودکشی یک پدیده چند فاکتوری است و علت و معلول‌های متفاوتی دارد. مدیرکل دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت ادامه داد: وزارت بهداشت، وزارت کشور و شورای اجتماعی کشور به موضوع خودکشی و فاکتورهای متعدد این موضوع ورود کرده‌اند و تمام دستگاه‌های تأثیرگذار در این حوزه باید برنامه‌های خود را ارائه دهند. حاجبی اضافه کرد: عوامل زیستی، اجتماعی، فرهنگی و دیگر موارد در درازمدت تأثیراتی در افزایش خودکشی در کشور داشته است که تمامی دستگاه‌ها باید تلاش کنند تا در کنار یکدیگر نسبت به کاهش آمار خودکشی در کشور و مدیریت جمعیت اقدام کنند.

یادداشت

با مردم چه کردیم؟

سیدحسن موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

اگر متخصصان اجتماعی نکته‌ای را اشاره می‌کنند و یا هشداری می‌دهند، دقیقاً از سر دلسوزی و براساس تجارب قبلی است که به این هشدار توجه نکرده‌اند. تکرار این هشدارها توسط متخصصان و نخبه‌های علوم اجتماعی را باید جدی بگیریم. مقام رهبری در جلساتی که در حوزه اجتماعی با مسئولان عالی کشور طی سال‌های اخیر برگزار می‌کنند، دقیقاً اشاره فرمودند که هر کس توان و وجدان دارد در این حوزه کار کند. کار متخصصان حوزه علوم اجتماعی تحلیل و تبیین اتفاقاتی است که دارد می‌افتد لذا توجه به این هشدارهاست که می‌تواند جلوی خیلی از مشکلات را بگیرد. لازمه مشارکت اعتماد مردم است که طبیعتاً اگر به همراه مؤلفه‌های دیگر باشد سرمایه اجتماعی بالا می‌رود.

حتی در آبان ۹۸ درست است که صدای اعتراض صدای کسانی است که از تصمیم ناگهانی دولت در افزایش ناگهانی قیمت بنزین بود، اما بخش دیگر هم به‌خاطر ناگهانی بودن تصمیم بود. وقتی مردم پاسخ سؤالاتشان را نگیرند و پاسخ مطالباتشان را نشنوند حتی اگر از خیابان بیرون رفته باشند، به‌منزله قانع شدنشان نیست. اگر در این حوزه تدبیر نکنیم که اتفاقاً بخش عمده‌ای از این تدبیر به مؤلفه‌های اجتماعی برمی‌گردد، با تحلیل اتفاقات دو سال اخیر عمدتاً مؤلفه‌ها، مؤلفه‌های اجتماعی مؤثر در بروز این نوع اعتراضات و اتفاقاتی است که در جامعه افتاد. هشدارهای جامعه‌شناسان و متخصصان علوم اجتماعی فقط از روی مبانی نظری محض نیست. یک بخش از آنچه الآن دارد تحلیل می‌شود و اسباب نگرانی است، بدون پاسخ ماندن سؤالات و مطالبات و خواسته‌های مردم در این حوزه است و نکته بعدی عموماً نامحرم دانستن مردم از جنس اقتصاد نیست. بی‌اعتمادی به دلیل ناکارآمدی در مدیریت بحران نشان از اقتصاد نیست. نداشتن چشم‌انداز روشن هم از جمله مسائل دیگر است و این‌ها اتفاقاتی از جنس اجتماعی است. خود سقوط هواپیما یک نشانه داشت و همانا نخبگان ما بودند که داشتند می‌رفتند. یکجا باید مطرح کنیم که همه باید باشند و اگر همه باشند، همه با هم می‌توانیم بحران را طی کنیم. اگر یکجایی لازم است تدبیری در تعاملاتمان در کشور و دنیا ایجاد کنیم این مؤلفه اقتصادی نیست. جامعه‌ای که مردمش امیدوار باشند شرایط را تحمل می‌کنند. مثال ساده‌ای می‌زنم؛ سیل اخیر را در حالی شاهدیم که رئیس هلال احمر نداریم. اتفاقاً آنچه راه برون‌رفت ما از این حوزه است، اینکه چالش‌های موجود را بیشتر باید با مؤلفه‌های اجتماعی مدیریت و برای برون‌رفت از این فضا استفاده کرد. شفافیت و صداقت و پاسخگویی و شایسته‌سالاری یک مطالبه مردمی است و هیچ کدامشان از جنس اقتصاد نیستند. اگر مردم برای هر موضوعی در خیابان اعتراض می‌کنند چون اعتمادشان کمتر شده و پاسخ را نمی‌گیرند این‌ها همان مردمی هستند که فقط به خاطر اینکه سردار سلیمانی نظامی بود، نیامده بودند. مسئولیت اجتماعی مردم در قبال کسی بود که برای کشور به گونه‌ای تلاش کرد که مردم قدردانش بودند. آنچه در این موضوع نشان داده شد، مؤلفه اجتماعی بود. کسی که سردار دل‌ها می‌شود، سردار دل‌ها با سرنیزه نمی‌شود و چند روز بعد که اعتراضات سقوط هواپیما را شاهد بودیم هر دو اجتماعی بود. مردم نسبت به آینده نگرانی دارند. نتیجه همین واکنش‌هایی می‌شود که در جامعه هست. ما جنگ تحمیلی را با همین مردم طی کردیم که هم جان و هم مالشان را می‌دادند و هم چشمداشتی نداشتند. آن موقع سرمایه اجتماعی موجب شده بود که مردم پای کار بیایند، از ابتدا باشند، هشت سال جنگ تحمیلی را تحمل کنند و عوارضش را بپذیرند. هنوز هم ما داریم عوارض آن جنگ را می‌پردازیم. خانواده شهدا، جانبازان، ایثارگران هنوز هم مشکلاتی دارند. اگر این نگاه را داشته باشیم که نقش متخصصان اجتماعی نه از روی غرض بلکه از روی کمک است، آن‌وقت می‌توان امیدوار بود و بازنگری کرد. در پی عدم پاسخ به مطالبات درست به مردم در حوزه‌های مختلف بیشتر و بیشتر اعتماد را از دست خواهیم داد و امور یک جامعه بدون اعتماد مردمی به راحتی نخواهد گذشت.